

Evaluation of the Function of Modulation in the Translation of the the last five parts of Holy Quran (Case study of Translations by Mohammad Ali Koosha and Nematollah Salehi Najafabadi)



Reza Pashazadeh*  0009-0000-7251-6936

Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Humanities, Bu - Ali Sina University, Hamadan, Iran
Email: reza.pashazadeh68@gmail.com



Sedigheh zoodranj ** 0000-0002-1699-4930

Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Humanities, Bu - Ali Sina University, Hamadan, Iran
Email: s.zoodranj@basu.ac.ir

ABSTRACT

The Vinay and Darbelnet's model is one of the prominent models in the criticism and evaluation of translation. These linguists by examples from French and English, introduced techniques for translation that later could be generalized to different texts. Various techniques that fall under direct and indirect methods of translation. Modulation is one of indirect techniques of translation which a translator tries to recreate the source text in the destination language by changing the point of view. most common examples of this technique are in transformation of positive into negative, transformation of passive into active, clarification of irony, clarification of metaphor, and synecdoche. translators of the Quran, relying on their rhetorical knowledge, use different types of these examples. The present research explores how Salehi Najafabadi and Koosha employed this technique in translation of the last five parts of the Holy Quran aiming at identifying the concepts hidden in the translation of some words, while explaining this technique from Vinay and Darbelnet's perspective by descriptive-analytical method and with a confrontational approach and comparing the quality of two translations and their acceptability among the Persian-speaking audience, is concluded that the two translators have properly used this technique in most cases taking into consideration the rhetorical aspects of the words so as to accurately convey the message of the source text and have a favorable effect on the reader. Among the types of modulation, clarification of irony and transformation of positive to negative have the highest and lowest frequencies in the two translations, respectively.

ARTICLE INFO

Article history:
Received: 14 March 2024
Received in revised form:
28 May 2024
Accepted: 29 May 2024
Available online:
Spring 2024

Keywords:

Translation of the Holy Quran, Vinay and Darbelnet, Modulation, Nematollah Salehi Najafabadi, Mohammad Ali Koosha

Pashazadeh, R., & zoodranj, S. (2024). Evaluation of the Function of Modulation in the Translation of the last five parts of Holy Quran (Case study of Translations by Mohammad Ali Koosha and Nematollah Salehi Najafabadi).. *Journal of Foreign Language Research*, 14 (1), 137-149. <http://doi.org/10.22059/jflr.2024.373889.1114>.



© The Author(s).

Publisher: The University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jflr.2024.373889.1114>.

* Reza Pashazadeh PhD graduate Arabic language and literature at Bu-Ali Sina University Specialized field: Criticism of translations / author of scientific-research articles in the field of criticism of Quranic translations

** Sedigheh Zoodranj, Assistant Professor of Arabic Language and Literature, Bu- Ali Sina University, The author of research articles and international and national conference articles in narrative literature and translation criticism



انتشارات دانشگاه تهران

پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی

شاپای چاپی: ۴۱۲۳-۲۵۸۸-۲۵۸۸ شاپای الکترونیکی: ۷۵۲۱-۲۵۸۸-۲۵۸۸
https://jflr.ut.ac.ir Email: jflr@ut.ac.ir

بررسی کارکرد تکنیک تغییر بیان در ترجمه پنج جزء پایانی قرآن کریم (موردپژوهی ترجمه‌های محمدعلی کوشا و نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی)

رضا پاشازاده*

0009-0000-7251-6936

گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

Email: reza.pashazadeh68@gmail.com



صدیقه زودرنج**

0000-0002-1699-4930

گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

Email: s.zoodranj@basu.ac.ir



چکیده

یکی از الگوهای مطرح در نقد و ارزیابی ترجمه، الگوی وینه و داربلنه است. این دو زبان‌شناس با مصادیقی از دو زبان فرانسه و انگلیسی، تکنیک‌هایی را برای ترجمه معرفی کردند که بعدها قابلیت تعمیم و تطبیق در متون مختلف را پیدا کرد؛ تکنیک‌های متنوعی که ذیل دو روش مستقیم و غیرمستقیم ترجمه قرار می‌گیرند. تغییر بیان یکی از تکنیک‌های غیرمستقیم ترجمه است که در آن مترجم با تغییر زاویه دید یا تغییر دیدگاه به بازآفرینی متن مبدأ در زبان مقصد می‌پردازد. رایج‌ترین مصادیق این تکنیک را می‌توان در تبدیل وجه مثبت به منفی، تبدیل وجه مجهول به معلوم، تصریح‌سازی کنایه، تصریح‌سازی استعاره و علاقه‌های مجاز مرسل جست‌وجو کرد. مترجمان قرآن با اتکا به دانش بلاغی خود، انواع مختلفی از این مصادیق را در ترجمه‌های خود به کار می‌گیرند. جستار حاضر با هدف شناسایی مفاهیم نهفته در ترجمه برخی واژگان، ضمن تبیین این تکنیک از دیدگاه وینه و داربلنه، به روش توصیفی - تحلیلی و با رویکرد مقابله‌ای نحوه بهره‌گیری نعمت‌الله صالحی‌نجف‌آبادی و محمدعلی کوشا از آن را در ترجمه پنج جزء پایانی قرآن کریم واکاوی نموده و با مقایسه کیفیت دو ترجمه و به تبع آن میزان مقبولیت آنها نزد مخاطب فارسی‌زبان، بدین نتیجه رسیده است که دو مترجم در بیشتر موارد با عنایت به وجوه بلاغی واژگان، در راستای انتقال دقیق پیام متن مبدأ و اثرگذاری مطلوب نزد خواننده، به‌نحوی شایسته از این تکنیک بهره برده‌اند. در میان انواع تغییر بیان، تصریح‌سازی کنایه بیشترین و تبدیل مثبت به منفی، کمترین بسامد را در دو ترجمه دارند.

اطلاعات مقاله

تاریخ ارسال: ۱۴۰۲/۱۲/۲۴
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۳/۰۸
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۰۹
تاریخ انتشار: بهار ۱۴۰۳
نوع مقاله: علمی پژوهشی

کلید واژگان:

ترجمه قرآن کریم، وینه و داربلنه، تغییر بیان، صالحی نجف‌آبادی، محمدعلی کوشا.

پاشازاده، رضا، و زودرنج، صدیقه. (۱۴۰۳). بررسی کارکرد تکنیک تغییر بیان در ترجمه پنج جزء پایانی قرآن کریم (موردپژوهی ترجمه‌های محمدعلی کوشا و نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی). پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبانهای خارجی، ۱۴ (۱)، ۱۳۷-۱۴۹.

DOI: http://doi.org/ 10.22059/jflr.2024.373889.1114.



The Author(s).

Publisher: The University of Tehran Press.

DOI: http://doi.org/ 10.22059/jflr.2024.373889.1114.

* رضا پاشازاده دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه بوعلی سینا. حوزه تخصصی: نقد ترجمه / نویسنده مقالات علمی - پژوهشی در حوزه نقد ترجمه‌های قرآن.

** صدیقه زودرنج استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه بوعلی سینا. نویسنده مقالات علمی - پژوهشی و مقالات همایشی بین‌المللی و ملی در حوزه‌های ادبیات معاصر عربی، ادبیات داستانی و نقد ترجمه.

۱. مقدمه

ترجمه عبارت از برگرداندن عناصر و ساختارهای متنی زبان مبدأ به معادل‌های آن در زبان مقصد است (با توجه به عوامل و شرایط برون‌زبانی)، به گونه‌ای که خواننده متن مقصد پیام و تأثیری را که خواننده متن مبدأ درمی‌یابد، دریافت کند. (ولی‌پور و قریشی، ۱۳۹۴: ۶ به نقل از جواهری، ۱۳۸۸: ۸) امروزه مطالعات ترجمه، به یک شاخه علمی میان‌رشته‌ای بدل شده که روشمند و نظریه‌محور است و دیگر محدود به بررسی صحیح و غلط بودن یک ترجمه نیست. نقد ترجمه به‌عنوان یک زمینه پرکاربرد مطالعات ترجمه در تمامی زمینه‌های متنی و فرامتنی یک اثر ترجمه‌ای، فعالیت می‌کند و از واژگان تا مؤلفه‌های فرامتنی را مورد بررسی قرار می‌دهد و بیش از هر چیز با انتخاب‌های ترجمه‌ای مترجمان و چرایی آن‌ها سروکار دارد. (فرحزاد، ۱۳۹۰: ۲۹) در یک دهه اخیر با توجه به گسترش نظریه‌های ترجمه از سوی اندیشمندان غربی پژوهش در این زمینه با اقبال قابل توجهی مواجه شده است. الگوهای ارائه‌شده از سوی نظریه‌پردازان ترجمه در متون مختلف مذهبی، ادبی و داستانی قابل تطبیق و تحلیل هستند. ترجمه‌های قرآن کریم نیز از این قاعده مستثنی نبوده و ارزیابی آنها با تکیه بر الگوی ترجمه‌ای خاص، علاوه بر اینکه موجب بهبود کیفی ترجمه‌ها می‌شود، فرآیند درک معانی و مفاهیم نهفته در آیه‌های قرآن را نیز میسر می‌سازد. یکی از الگوهای مطرح در زمینه ارزیابی ترجمه، الگوی وینه و داربلنه است. این دو نظریه‌پرداز در کتاب مشترک خود با عنوان «سبک‌شناسی تطبیقی فرانسه و انگلیسی: روشی برای ترجمه» تکنیک‌های نسبتاً دقیقی برای نقد و ارزیابی متون ترجمه‌شده ارائه دادند؛ دقیقاً از این نظر که تکنیک‌های ارائه‌شده، هر دو نوع ترجمه مستقیم و غیرمستقیم را در خود جای داده‌اند، چراکه ترجمه هر متنی خارج از این دو نوع ترجمه و یا تلفیقی از این دو نمی‌تواند باشد. در الگوی ارائه‌شده توسط وینه و داربلنه، قرض‌گیری، گرده‌برداری و ترجمه تحت‌اللفظی تکنیک‌های ترجمه مستقیم و جابه‌جایی، تغییر بیان، معادل‌یابی و همانندسازی، تکنیک‌های ترجمه غیرمستقیم هستند که در اینجا هر یک را به اختصار شرح می‌دهیم: در قرض‌گیری، یک واژه عیناً از زبان مبدأ به متن ترجمه منتقل و با الفبای زبان مقصد نگاشته می‌شود.^۱ (وینه و داربلنه، ۱۹۹۵: ۳۲-۳۱) در گرده‌برداری اجزای یک ترکیب جدا جدا از

اجزای ترکیب خارجی ترجمه می‌شوند. (همان: ۳۱) ترجمه تحت‌اللفظی، ترجمه واژه در برابر واژه است که در آن ساختار و محتوای متن مبدأ به‌طور مستقیم به متن مقصد منتقل می‌گردد. (همان: ۳۳) جابه‌جایی تغییر یک جزء کلام به جزء کلام دیگر است؛ یعنی تغییر مقوله دستوری، مانند تغییر اسم به فعل. (ماندی، ۱۳۹۱: ۱۰۸) تغییر بیان به تغییر در پیام از طریق تغییر در زاویه دید اطلاق می‌شود.^۲ (وینه و داربلنه، ۱۹۹۵: ۳۴) معادل‌یابی در مواردی کاربرد دارد که زبان‌ها به شکل‌های متفاوتی به موقعیت یکسانی ارجاع می‌دهند. (فاست، ۱۳۹۷: ۱۰۱) همانندسازی نیز در مواردی مورد استفاده قرار می‌گیرد که وضعیت یا موقعیتی که در زبان اصلی مد نظر است، در زبان هدف یا همان مقصد ناشناخته باشد. در چنین شرایطی مترجمان باید با تولید یک معادل، یک موقعیت جدید ایجاد کنند.^۳ (وینه و داربلنه، ۱۹۹۵: ۳۹)

ترجمه‌های صالحی نجف‌آبادی و کوشا از جمله ترجمه‌های جدید قرآن محسوب می‌شوند. ترجمه صالحی که در سال ۱۳۹۵ به‌عنوان ترجمه برتر نیز معرفی شد، به دور از عربی‌گرایی ثقیل و فارسی سره مهجور و کهن نگارش یافته است و می‌توان آن را نثری روان، خوش‌خوان و قابل فهم همگان و به دور از هرگونه تکلف و تصنع و حشو و زوائد دانست. ترجمه کوشا نیز که جدیدترین ترجمه قرآن محسوب می‌شود، پس از چندین آشنایی مستمر مترجم با دهها ترجمه قدیم و جدید قرآن و تجربه‌اندوزی فراوان در این وادی و بازخوانی مکرر ترجمه‌های دیگران، به ثمر نشسته است. (کوشا، ۱۴۰۱: ۱۳) تا آنجا که بهاء‌الدین خرمشاهی در مراسم رونمایی از ترجمه قرآن محمدعلی کوشا، عنوان «تاج‌الترجم» را در توصیف ترجمه ایشان به کار برده است. (<http://kooshaa.ir/post/205>) مجموع آنچه به‌طور خلاصه درباره نقد و ارزیابی ترجمه و الگوی وینه و داربلنه و مشخصه بارز ترجمه‌های مورد بحث بیان شد، نگارندگان پژوهش حاضر را بر آن داشت تا با توجه به الگوی یادشده، کاربست یکی از تکنیک‌های ترجمه غیرمستقیم یعنی تغییر بیان و مصادیق آن را در ترجمه‌های صالحی و کوشا از پنج جزء پایانی قرآن کریم مورد بررسی قرار دهند و در صدد پاسخگویی به سؤالات زیر باشند:

^۲. Vinay & Darbelnet, 1995: p 39

^۱. Vinay & Darbelnet, 1995: p 31-32

^۳. Vinay & Darbelnet, 1995: p 34

۱. طبق الگوی وینه و داربلنه، تکنیک غیرمستقیم تغییر بیان در ترجمه‌های صالحی و کوشا چگونه بروز یافته است؟
 ۲. از میان انواع تغییر بیان کدامیک بیشترین بسامد را در ترجمه‌های یادشده به خود اختصاص داده است؟

۲. پیشینه پژوهش

از جمله پژوهش‌هایی که با موضوع تغییر بیان در ترجمه صورت گرفته است، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- «تکنیک‌های هفت‌گانه ترجمه (۲)» (۱۳۹۹) عنوان مقاله‌ای است که در فصلنامه «مترجم» توسط **علی خزاعی‌فر** نگارش یافته است. نگارنده در این مقاله با ارائه تعدادی شاهدمثال در ترجمه از انگلیسی به فارسی، به معرفی تکنیک‌های غیرمستقیم ترجمه - از دیدگاه وینه و داربلنه - یعنی تغییر بیان، معادل‌یابی و همانندسازی پرداخته است.

- مقاله «تغییر بیان در ترجمه» (۱۳۷۷) دیگر مقاله **علی خزاعی‌فر** در فصلنامه «مترجم» است. ایشان در این پژوهش به توصیف و تبیین دیدگاه‌های صاحب‌نظرانی چون کتفورد، گیدئون توری، پوپویچ و نیز وینه و داربلنه پرداخته است. مهم‌ترین یافته نگارنده این بوده که تغییر بیان ناشی و حاکی از وجود معیارهایی است که بر کاربرد زبان حاکم است و مترجمان آگاهانه یا ناآگاهانه به کار می‌گیرند.

- مقاله «تغییر بیان و فاخرگویی در ترجمه از فارسی به عربی براساس نظریه وینه و داربلنه» (۱۳۹۸)؛ این مقاله به قلم **حمیدرضا حیدری** در مجله «پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی» منتشر شده است. از دیدگاه نگارنده این مقاله، وینه و داربلنه از نظریه‌پردازانی هستند که به لزوم انتقال پیام و مقوله‌های فرهنگی از طریق برابریابی و تغییر بیان به‌عنوان یک ضرورت کاربردی - معنایی نگریسته‌اند. دستاورد این مقاله حاکی از آن است که گاهی، تغییر بیان یا تعدیل، ناشی از اختلاف ساختمانی دو زبان و گاه در اثر تفاوت زبان‌ها در حیطه ارائه مفهوم یا پیام می‌باشد. هر چه زبان‌ها از نظر ریشه و خانواده با یکدیگر متفاوت‌تر باشند، دامنه تغییر بیان گسترده‌تر می‌شود.

- پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «الأسالیب التقنیة للترجمة دراسة نقدیة مقارنة لأسالیب الترجمة من منظور فینی و داربلنی (۱۹۵۸) و تطبیقاتها علی ترجمات کتاب «النبی» لجبران خلیل جبران» به قلم **إنعام بیوض منور** از دانشگاه الجزائر (۱۹۹۲). نگارنده در آن به استناد کتاب سبک‌شناسی تطبیقی فرانسه و انگلیسی وینه و داربلنه و مؤلفه‌های ترجمه

ذکرشده در آن - از جمله تغییر بیان - ترجمه‌های ارائه‌شده از کتاب «النبی» را مورد تحلیل و واکاوی قرار داده است.

- رساله دکتری «بررسی مقابله‌ای ترجمه ابن‌عربشاه از مرزبان‌نامه بر اساس الگوی وینه و داربلنه» (۱۴۰۱) که توسط **سولماز غفاری** در دانشگاه بوعلی‌سینا همدان نگارش یافته است. وی در این رساله به این نتیجه رسیده است که تطبیق ترجمه ابن‌عربشاه از مرزبان‌نامه با الگوی وینه و داربلنه حاکی از آن است که مترجم از رهگذر ترجمه غیرمستقیم و با بهره‌گیری از تکنیک‌های جابه‌جایی، تغییر بیان، معادل‌یابی و همانندسازی، دگرگفتی دیگر از مرزبان‌نامه ارائه داده است.

- «کاربست الگوی وینه و داربلنه در ترجمه قرآن کریم (بررسی موردی ترجمه‌های نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی، محمدعلی کوشا و کریم زمانی)» مقاله انتشار یافته در مجله مطالعات ترجمه قرآن و حدیث (۱۴۰۱). **رضا پاشازاده و همکاران وی** در این مقاله میزان بهره‌گیری سه مترجم از مؤلفه‌های الگوی وینه و داربلنه را مورد بررسی قرار داده و بدین نتیجه رسیده‌اند که در این ترجمه‌ها، از میان مؤلفه‌های ترجمه مستقیم، ترجمه تحت‌اللفظی و فرض‌گیری و از مؤلفه‌های ترجمه غیرمستقیم، جابه‌جایی بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده‌اند. از میان سه مترجم نیز، کریم زمانی بیشتر از دو مترجم دیگر از ترجمه غیرمستقیم بهره برده است.

- «بررسی ترجمه الهام دارچینیان از رمان «من او را دوست داشتم» نوشته آنا گاولدا براساس نظریه وینه و داربلنه» (۱۴۰۲) عنوان مقاله‌ای است که به قلم **زینب رضوان طلب و سیمین کرد یزدی** توسط مجله پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی منتشر شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که الهام دارچینیان در ترجمه خود بیشتر به شیوه غیرمستقیم ترجمه تمایل داشته و نیز از ۴ نوع شیوه غیرمستقیم (جابه‌جایی، تغییر بیان، معادل‌یابی و همانندسازی) در راستای ارائه ترجمه روان، قابل درک و دلپذیر برای مخاطب فارسی، از تغییر بیان، بیشتر بهره برده است.

لازم به ذکر است؛ تفاوت گفتار حاضر با مقاله ماقبل آخر (کاربست الگوی وینه و داربلنه در ترجمه قرآن کریم) در این است که آن مقاله به‌طور کلی، کیفیت بهره‌گیری سه مترجم از همه تکنیک‌های موجود در روش‌های ترجمه مستقیم و غیرمستقیم را مورد بررسی قرار داده و در پی این نکته است که کدام مترجم از تکنیک‌های ترجمه مستقیم و کدامیک، از تکنیک‌های ترجمه غیرمستقیم بیشترین استفاده را برده است؛ اما در پژوهش حاضر صرفاً یکی از تکنیک‌های هفت‌گانه وینه

و داربلنه یعنی تغییر بیان به طور جزئی با انواع مختلف خود، آن هم در دو ترجمه، مورد واکاوی و تحلیل قرار گرفته است. به طور کلی با توجه به آنچه ذکر شد، ملاحظه می شود که نحوه به کارگیری تکنیک تغییر بیان به عنوان یکی از تکنیک های ترجمه غیرمستقیم از دیدگاه وینه و داربلنه، به عنوان پژوهشی مستقل در ترجمه های قرآن کریم از جمله ترجمه های صالحی و کوشا انجام نشده است؛ این در حالی است که دو ترجمه مورد بحث، از جدیدترین و برترین ترجمه های قرآن کریم به شمار می روند.

۳. معرفی اجمالی ترجمه های نعمت الله

صالحی نجف آبادی و محمدعلی کوشا

نعمت الله صالحی نجف آبادی (۱۳۰۲-۱۳۸۵ ش) در نجف آباد اصفهان دیده به جهان گشود و پس از طی تحصیلات ابتدایی در سن ۱۵ سالگی جهت کسب علوم دینی به حوزه علمیه اصفهان رفت. ایشان در اوایل مرجعیت آیت الله بروجردی به قم آمد و اولین دوره خارج فقه و اصول را نزد وی آموخت و به موازات آن در درس خارج امام خمینی (ره) تا روز تبعید ایشان حضور مستمر داشت. (کوشا، ۱۳۹۴: ۱۳-۱۴) محمدعلی کوشا در بخش «سخن ویراستار» ترجمه صالحی آورده است: با توجه به دقت علمی و ژرف نگری روشمند صالحی در دانش تفسیر، حدیث، فقه، تاریخ و علوم قرآنی، می توان گفت که ایشان در فن ترجمه قرآن در ردیف اندک مترجمانی است که با اجتهاد و استقلال نظر به این امر مهم دست یازیده و ترجمه ای دقیق با نثری روان، به شیوه اجتهادی خویش عرضه داشته است. (صالحی نجف آبادی، ۱۳۹۸: ۶۳۰) ویژگی های ترجمه قرآن صالحی را که در سال ۱۳۹۵ به عنوان «ترجمه برتر» شناخته شد، می توان در موارد زیر بیان نمود:

۱. این ترجمه به شیوه تطبیقی و منطبق بر متن آیات است.
۲. در این ترجمه، مفهوم و محتوای آیات در حد امکان در قالب زبان فارسی بیان شده است.
۳. این ترجمه از جهت کمی در قالبی مساوی با حجم آیات و از جهت کیفی، جلوه ای روشن از انعکاس مراد و مقصود آیات است.
۴. قیدهای توضیحی داخل کروشه در این ترجمه و یا محذوفات و تقدیرهای حاصل از صنعت ایجاز قرآن که لازمه یک ترجمه گویاست، در حد لازم رعایت شده است.
۵. در مواردی که آیه نیازمند توضیح بیشتری بوده، مترجم به بیان آن ها در پانوشتها پرداخته و گاهی هم به وجوه دیگری از ترجمه آیه در پانوشتها اشاره نموده است.

ع صالحی نجف آبادی در عین توجه به یکسان سازی معانی واژگان، مسأله اشباه و نظائر را مد نظر قرار داده و هر جا کلمه ای در معانی گوناگون استعمال گردیده، جایگاه کاربرد هر کدام را به درستی نشان داده است. (همان: ۶۳۱-۶۳۰)

شایان ذکر است که ترجمه صالحی نجف آبادی تاکنون دو بار توسط انتشارات کویر به زیور طبع آراسته شده است؛ چاپ نخست آن در سال ۱۳۹۴ و چاپ دوم آن - که اساس کار ما در این پژوهش است - در سال ۱۳۹۸.

محمدعلی کوشا (۱۳۳۰ ش) متولد بیجار، مجتهد، فقیه، مفسر و مترجم قرآن، مدرس سطوح عالی حوزه و قرآن پژوه معاصر است. عمده فعالیت های محمدعلی کوشا در حوزه تفسیر و به ویژه ترجمه قرآن بوده است؛ به طوری که وی با نقد و بررسی بیش از ۲۰۰ ترجمه قرآن، پرکارترین منتقد در حوزه ترجمه قرآن است و همچنین پایه گذار آموزش پیشرفته فن ترجمه قرآن در حوزه علمیه است. (<http://kooshaa.ir/>)

ترجمه محمدعلی کوشا ترجمه ای تطبیقی است که در آن تلاش بر این بوده تا حد امکان حجم ترجمه بیش از حجم متن نباشد و نکات توضیحی لازم در پانوشت جای گیرد. در این ترجمه، وفاداری به متن قرآن کریم، یک اصل است و در عین حال رعایت نثر معیار نیز در سرتاسر آن مد نظر بوده و مترجم تلاش کرده است تا حد امکان نثری خوش خوان، گویا و روان ارائه دهد. با توجه به ملاحظات ویراستاران دانشمند و قرآن-پژوه، «بهاءالدین خرمشاهی» و «نادعلی عاشوری تلوکی» و نیز «محمد جوکار باصری» و ناظری ادیب و نکته سنج، «عباس بهروزی» و پنج نمونه خوان دقیق و فاضل گمان می رود میزان کاستی های این اثر به حداقل رسیده باشد. ترجمه کوشا جدیدترین ترجمه قرآن محسوب می شود که نخستین بار توسط نشر نی در سال ۱۴۰۱ چاپ شده است.

۴. تغییر بیان و انواع آن از دیدگاه وینه و داربلنه

وینه و داربلنه، تغییر بیان را تغییر در پیام از طریق تغییر در زاویه دید می دانند. تغییر بیان، زمانی محقق می شود که ترجمه تحت اللفظی و یا حتی جابه جایی، به گفته دستوری درستی منجر شود، اما آن ترجمه در زبان مقصد نامناسب جلوه کند. در این صورت است که از این نوع ترجمه یعنی تغییر بیان استفاده می شود. وینه و داربلنه به تغییر بیان، به عنوان سنگ محک یک مترجم شایسته، اهمیت می دهند. در فرآیند ترجمه غیرمستقیم،

برخی تغییر بیان‌های ثابت از تغییر بیان‌های آزاد گرفته می‌شوند.^۴ (وینه و داربلنه، ۱۹۹۵: ۳۷) به عبارت دیگر تغییر بیان شیوه‌ای است که مترجم را وادار به ایجاد تغییر در زاویه دید پیام و نحوه بیان آن می‌کند. استفاده صحیح و بجا از این تکنیک نشان‌دهنده تبحر مترجم است. لازم به ذکر است که تغییر بیان الزاماً منجر به تغییر در کلمات یا نقش دستوری آنها در جمله نمی‌شود. (رضوان‌طلب و کرد یزدی، ۱۴۰۲: ۱۵۱)

در نامگذاری اشیاء در زبان‌های مختلف، اهل زبان از دیدگاهی واحد به آن‌ها نظر نمی‌کنند - به قول یکی از محققان، وظیفه واژه تعریف شیء نیست، بلکه تجسم تصویر آن است - در نتیجه در هر زبان واژه‌ای که بر شیء دلالت می‌کند، تنها بر وجهی خاص از آن شیء تأکید دارد و تنها به برخی از خصوصیات یا بخشی از کاربرد آن شیء اشاره می‌کند. (خزاعی فر، ۱۳۹۹: ۳۷) به اعتقاد کلی، در جریان مدولاسیون یا همان تغییر بیان، دال تغییر می‌کند درحالی که مدلول همچنان ثابت است و این فرآیند به شکل‌های مختلف استعاره، مجاز و مجاز مرسل بازنمایی می‌شود. (فاست، ۱۳۹۷: ۱۰۰)

از نظر وینه و داربلنه، تغییر بیان «نوعی روش ترجمه مشتمل بر تغییر دیدگاه و یا تجدید خاطر است و غالباً از مقوله اندیشه است.»^۵ (وینه و داربلنه، ۱۹۹۵: ۳۴۶) به بیانی دیگر تغییر بیان، دست‌کاری شکل ظاهری زبان مبدأ به هنگام طرح-ریزی آن در زبان مقصد است که با انگیزه انتقال بهتر پیام به خواننده صورت می‌پذیرد. این دست‌کاری در زبان مقصد، ممکن است از سوی مترجمان مختلف به روش‌های گوناگون انجام پذیرد؛ این در حالی است که انتخاب بهترین روش به مهارت و تبحر مترجم بستگی دارد. البته در این میان، آنچه در نگاه اول مهم می‌نماید، انتقال تمام و کمال ایده اصلی متن مبدأ به متن مقصد است.

بالار، ابهام و دایره شمول تعریف تغییر بیان را زیاده از حد می‌داند؛ به باور او، از آنجا که نگرش هر زبانی به جهان با نگرش زبان‌های دیگر تفاوت دارد، ممکن است ترجمه اصلاً همان تغییر بیان باشد. (اسلامی و فارس‌یان، ۱۳۹۷: ۴۱) پوپویچ معتقد است: در ترجمه آن قدر جرح و تعدیل (تغییر بیان) یا دخل و تصرف صورت می‌گیرد که انسان گاه در اعتقاد خود به ممکن بودن ترجمه تردید می‌کند. با این حال این گونه جرح و تعدیل‌ها حاکی از این حقیقت است که ترجمه اساساً

مستلزم تغییرات فکری و زیباشناختی است که می‌توان آنها را به روش تجربی نشان داد. (خزاعی فر، ۱۳۷۷: ۷) آنچه ذکر شد، شاید در ترجمه برخی متون غیرقدسی - نه همه - به شکلی محدود مصداق داشته باشد، اما تطبیق تمام و کمال گزاره ذکرشده در متن مقدسی چون قرآن کریم با توجه به حساسیت مضامین و مفاهیم آن امری ناممکن است. با این حال با توجه به اینکه کلام خدا در اوج فصاحت و بلاغت بر پیامبر (ص) نازل گردیده است، در ترجمه فارسی آن مترجمان ناچارند، واژگان حامل بار معنایی بلاغی را با تغییر بیان به روشنی و صراحت ارائه نمایند.

وینه و داربلنه در کتاب معروف خود «سبک‌شناسی تطبیقی فرانسه و انگلیسی: روشی برای ترجمه» انواع مختلف تغییر بیان را در موارد زیر عنوان کرده‌اند:

۱. بیان جزء به جای کل (مجاز مرسل) ۲. کنایه ۳. تبدیل مثبت به منفی و برعکس ۴. تبدیل معلوم به مجهول و برعکس ۵. ذکر مکان به جای زمان ۶. جابه‌جایی واژگان ۷. تغییر نماد.^۶ (وینه و داربلنه، ۱۹۹۵: ۲۵۱-۲۵۳)

۵. انواع تغییر بیان در ترجمه‌های صالحی و کوشا

الگوی وینه و داربلنه و به تبع آن انواع تغییر بیان، بر پایه شواهدی از زبان فرانسه و انگلیسی تدوین شده است؛ از این رو نمی‌توان انتظار داشت در ترجمه زبان‌های دیگر نیز همه آن انواع تغییر بیان مصداق داشته باشد. ترجمه‌های صالحی و کوشا نیز از این قاعده مستثنی نیستند. در میان انواع تغییر بیانی که از دیدگاه وینه و داربلنه ذکر شد، ذکر مکان به جای زمان، جابه‌جایی واژگان و نیز تغییر نماد در ترجمه‌های دو مترجم مصداق ندارند. همچنین وینه و داربلنه، به‌طور کلی شواهدی برای مجاز مرسل از دو زبان فرانسه و انگلیسی ذکر کرده‌اند؛ اما با توجه به گستردگی انواع مجاز مرسل در زبان عربی، صالحی و کوشا انواع مختلفی از علاقه‌های مجاز مرسل را در ترجمه خود به کار گرفته‌اند. نکته دیگر اینکه با توجه به هم-پوشانی کنایه و استعاره در برخی موارد، استعاره را نیز می‌توان نوعی تغییر بیان قلمداد کرد. به‌طور کلی مصادیق تغییر بیان در ترجمه‌های صالحی و کوشا در برخی علاقه‌های مجاز مرسل، تصریح‌سازی کنایه، تصریح‌سازی استعاره، تبدیل وجه مثبت به منفی و تبدیل وجه مجهول به معلوم قابل نقد و بررسی هستند.

^۶ Vinay & Darbelnet, 1995: 251-253

^۴ Vinay & Darbelnet, 1995: 37

^۵ Vinay & Darbelnet, 1995: 346

در ادامه به تحلیل نحوه کاربست انواع تغییر بیان در ترجمه‌های دو مترجم یاد شده از پنج جزء پایانی قرآن کریم می‌پردازیم.

۵-۱. تبدیل وجه مثبت به منفی:

(إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ...) (حجرات/ ۱۰)

صالحی: جز این نیست که مؤمنان با هم برادرند.

کوشا: تنها مؤمنان برادر یکدیگرند.

در تفسیر آمده است: اطلاق برادری بر مؤمنان، تشبیه بلیغ است؛ مؤمنان از لحاظ انتساب به اصل واحد به برادر تشبیه شده‌اند و آن اصل واحد ایمانی است که دلیل زندگی ابدی خواهد بود. نیز می‌توان آن را استعاره گرفت و مشارکت در ایمان را به مشارکت در تولد تشبیه کرد چراکه هر یک از آنها اصل بقا هستند، از این رو که تولد منشأ زندگی و ایمان، منشأ بقای ابدی در بهشت است. (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۳: ۳۰۳) تأکید بر چنین امری در آیه پرواضح است؛ اما شیوه بیان این تأکید در دو ترجمه ذکر شده متفاوت است؛ صالحی برای اینکه تعبیرش و یا به عبارت دقیق‌تر ترجمه‌اش نزد خواننده جذابیت داشته باشد، اولاً "إِنَّمَا" را که یک کلمه است، به صورت جمله ترجمه کرده، ثانیاً همان جمله را هم با توجه به معنی تأکیدی "إِنَّمَا" به صورت منفی آورده است. هر دو وجه به کار گرفته شده توسط وی ترجمه‌ای ناموازی محسوب می‌شود، با این تفاوت که وجه اول جابه‌جایی (تبدیل حرف به جمله) است و وجه دوم که موضوع سخن ماست، تغییر دیدگاه تلقی می‌شود. تغییر دیدگاه از این جهت که «إِنَّمَا» که بار معنایی مثبت دارد، به مفهومی با بار معنایی منفی تبدیل شده است. در واقع صالحی با هدف انتقال بهتر پیام به مخاطب، زاویه دید خود را تغییر داده است. اما کوشا ضمن استفاده از واژه «تنها» در برابر «إِنَّمَا»، از واژه اضافی «یکدیگر» به نحوی پسندیده در ترجمه خود بهره برده است. در مقام مقایسه میان دو ترجمه، به نظر می‌رسد هر چند ترجمه صالحی نامفهوم نمی‌نماید، اما ترجمه کوشا نزد مخاطب فارسی‌زبان روان‌تر و رایج‌تر است.

۵-۲. تبدیل وجه مجهول به معلوم:

(وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ

الدُّكْرَى) (فجر/ ۲۳)

صالحی: و در آن روز دوزخ را بیاورند، آن روز انسان متذکر می‌شود، ولی چه جای پندپذیری برای او خواهد بود؟

کوشا: در آن روز، دوزخ آورده شود، آن روز است که آدمی یاد کند و پند پذیرد! ولی [دیگر] چه جای یادآوری [و پند] برای اوست؟

طبق بررسی‌های به عمل آمده در تفاسیر مختلف درباره جمله اول آیه، برخی از مفسران معنی ظاهری آیه را در نظر گرفته‌اند؛ یعنی جهنم را عده‌ای از فرشتگان می‌آورند و به گناهکاران نزدیک می‌کنند. عده‌ای نیز معنای مجازی برای این آیه لحاظ کرده و آن را کنایه از ظهور جهنم در برابر دیدگان گناهکاران می‌دانند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۶: ۴۷۱) واژه «جهنم» از نظر نحوی در محل نائب فاعل است برای فعل مجهول «جیء». در ترجمه‌های ذکر شده، کوشا این معنای ساختاری را لحاظ کرده است و ترجمه‌ای موازی با متن آیه ارائه داده است. اما صالحی ترجمه ناموازی را برای این جمله مجهول در نظر گرفته است؛ به عبارت دیگر عبارت مجهول را با استفاده از تکنیک تغییر بیان، معلوم ترجمه کرده است. همان‌طور که در کتب نحوی تصریح شده، به کار بردن ساختار مجهول در کلام، اغراض و اسبابی دارد که یکی از این اغراض، مشخص بودن فاعل و عدم نیاز به ذکر آن است. در آیه ذکر شده نیز با همین هدف، روش مجهول به کار رفته است و نیز با حذف فاعل، «جهنم» نقش بارزتر و پررنگ‌تری گرفته است. علاوه بر این، به نظر می‌رسد آوردن آیه بدین شکل با هدف تخویف و تهویل مخاطب بوده است. با توجه به آنچه گفته شد، برگردان ترکیب مورد بحث به روش معلوم در ترجمه - مانند ترجمه نخست - پسندیده نیست؛ چراکه این روش موجب مغفول ماندن هدف اصلی پیام آیه - که بدان اشاره شد - می‌گردد. هدفی که کوشا با روش ترجمه تحت‌اللفظی در انتقال دقیق آن موفق بوده است.

۵-۳. علاقه‌های مجاز مرسل

۵-۳-۱. تغییر جزء به کل

(وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ ارْكَعُوا لَا يَرْكَعُونَ) (مرسلات/ ۴۸)

صالحی: و چون به آنان گفته شود، رکوع کنید، رکوع نمی‌کنند (نماز نمی‌خوانند).

کوشا: و چون به آنان گفته شود، رکوع کنید، رکوع نمی‌کنند.

در المیزان آمده است: مراد از رکوعی که در این آیه به آن امر فرموده، مطلق خشوع و خضوع و تواضع برای خدای تعالی است، به اینکه دعوتش را بپذیرند و کلامش را قبول نموده و دینش را پیروی نمایند و خلاصه، بندگیش کنند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۲۵۱) این آیه درباره قبیله ثقیف نازل شد که پیامبر (ص) به آنها فرمود: نماز بخوانید، آنها گفتند: ما هرگز در برابر کسی خم نمی‌شویم، و این برای ما عیب است! پیامبر (ص) فرمود: دینی که در آن رکوع و سجود نباشد، ارزشی ندارد.

(مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۵: ۴۲۹) با توجه به آنچه گفته شد، ترجمه داخل پرانتز صالحی از عبارت مشخص شده، ترجمه مناسبی به نظر می‌رسد؛ چراکه وی با در نظر داشتن مفهوم اصلی آیه - که بدان اشاره شد - با بهره‌گیری از روش غیرمستقیم تغییر بیان یعنی تغییر جزء به کل (تبدیل رکوع به نماز) ترجمه‌ای وافی به مقصود ارائه داده است. کوشا روش مستقیم ترجمه تحت‌اللفظی را ترجیح داده است. شایان ذکر است که ترجمه صالحی بدون عبارت داخل پرانتز، تحت‌اللفظی به شمار می‌رود.

۵-۳-۲. تغییر خاص به عام

(فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ) (کوثر/ ۲)

صالحی: پس برای پروردگارت نماز بگزار و قربانی کن.
 کوشا: پس برای پروردگارت نماز بگزار و شتر قربانی کن.
 در المیزان چنین آمده‌است: مراد از «نحر» بنا بر روایاتی که از طریق شیعه و سنی رسیده، این است که نماز عید قربان بخوان و شتر هم قربانی کن؛ چون کلمه نحر به معنای سر بریدن شتر به آن نحو خاص است، هم چنان که کلمه «ذبح» به معنای سر بریدن سایر حیوانات است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۶۴۰) با توجه به آنچه گفته شد، در دو ترجمه ذکر شده، کوشا معنای دقیق لغوی (شتر قربانی کن) را برای فعل امر «انْحَرْ» لحاظ نموده است. به بیان دیگر مفهوم خاص «نحر» را از آن جدا نکرده است. اما صالحی با تغییر دیدگاه، معنای خاص «نحر» را به شکل عام (قربانی کن) ترجمه کرده است. به باور وینه و داربلنه، بهره‌گیری از چنین روشی به دلیل این که جزو علاقه‌های مجاز مرسل است، ذیل ترجمه غیرمستقیم از نوع تغییر بیان جای می‌گیرد. به کارگیری این شیوه ترجمه توسط صالحی نمی‌تواند همان تأثیری را در مخاطب فارسی داشته باشد که متن آیه در زبان عربی دارد؛ لذا می‌توان مدعی شد که در این آیه، روش اتخاذ شده توسط کوشا (ترجمه از طریق آحاد معنایی) روشی پسندیده و دقیق می‌نماید.

۵-۳-۳. تغییر محل به حال

(فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ) (ذاریات/ ۳۶)

صالحی: و در آنجا جز یک خانواده از فرمانبران نیافتیم.
 کوشا: و در آن (شهر) جز اهل یک خانه کسی را که تسلیم [خدا] باشد نیافتیم.

بنابر آنچه در تفاسیر ذکر شده است: وقتی فرشتگان به شهر لوط آمدند، مؤمنان آن دیار را خارج کردند که آسیبی از عذاب نبینند. ولی در کمال تعجب دیدند که فقط یک خانوار، اهل ایمان و تسلیم به امر حق تعالی است و آن نیز خانوار لوط

است و بقیه جزو اراذل و اوباش اند! (زمانی، ۱۳۹۷: ۱۰۵۳) یکی از علاقه‌های مجاز مرسل علاقه محلّیه است؛ بدین مفهوم که چیزی با لفظ محل آن نامگذاری گردد. (البابرتی، ۱۹۸۳: ۵۵۲) با توجه به تفسیر ذکر شده، می‌توان مدعی شد که مراد از «بیت» در این آیه «اهل بیت یا اهل خانه» است که هر دو مترجم با واقف بودن به این نکته، ترجمه‌ای غیرمستقیم از نوع تغییر بیان ارائه داده‌اند. طبق دیدگاه وینه و داربلنه در این آیه و آیات مشابه، ترجمه مستقیم تحت‌اللفظی و یا نوع دیگری از ترجمه غیرمستقیم (جابه‌جایی و ...) نمی‌تواند ترجمه‌ای مقبول در زبان فارسی به شمار آید. لذا هر دو مترجم در این آیه به نحوی مطلوب از تغییر بیان بهره برده‌اند.

۵-۴-۴. تصریح‌سازی کنایه:

۵-۴-۱. مثال اول:

(سَنَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَ الثَّقَلَانِ) (رحمان/ ۳۱)

صالحی: ای جن و انس، به‌زودی به [حساب] شما خواهیم پرداخت.

کوشا: ای گروه جن و انس، به‌زودی به [حساب] کار شما خواهیم پرداخت.

طبق نظر غالب مفسران: مراد از «ثقلان» در این آیه، جن و انس هستند. وجه تسمیه آن نیز به این دلیل است که هر دو گروه جن و انس چه زنده و چه مرده، روی زمین سنگینی می‌کنند. همان‌طور که خداوند به همین مناسبت، در آیه ۲ سوره زلزله می‌فرماید: (وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا). امام جعفر صادق (ع) می‌فرماید: «جن و انس را از این جهت «ثقلان» می‌نامند که با گناهان سنگین گشته‌اند». (بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۴: ۳۳۶) با توجه به آنچه گفته شد، «ثقلان» در این آیه معنای کنایی دارد؛ ملاحظه می‌شود که هر دو مترجم این معنای کنایی را با بهره‌گیری از تکنیک تغییر بیان در ترجمه‌های خود لحاظ نموده‌اند و در واقع، مفهوم کنایی را تصریح‌سازی کرده‌اند. این نوع تغییر بیان از این جهت که مترجم‌ها در آن، امکان استفاده از روش دیگری برای ترجمه ندارند، در زمره تغییر بیان‌های اجباری قرار می‌گیرند؛ چراکه بهره‌گیری از شیوه دیگری غیر از تغییر بیان در ترجمه واژه مورد بحث، نمی‌توانست از اثرگذاری مطلوب نزد خواننده زبان هدف برخوردار باشد. از این رو به نظر می‌رسد هر دو مترجم در استفاده از این نوع تکنیک موفق عمل کرده‌اند.

۵-۴-۲. مثال دوم:

(وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا) (نبأ/ ۱۴)

صالحی: و از ابرهای باران‌زا، آبی ریزان فرود آوردیم.

کوشا: و از ابرهای بازان زا آبی بس ریزان فرو فرستادیم. گفته شده است: «معصرات» اسم فاعل از مصدر «اعصار» به معنی فشارنده است. طبق آنچه در تفاسیر ذکر گردیده، مراد از «معصرات» در این آیه می‌تواند آسمان‌ها، بادها و ابرها باشد. (ابن الجوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۴: ۳۸۸) مکارم شیرازی در تفسیر این آیه آورده است: «معصرات» اشاره به «ابره‌های باران‌زا» است، گویی خودش را می‌فشارد تا آب از درونش فرو ریزد. بعضی نیز آن را به معنی ابرهایی که آماده ریزش باران است، تفسیر کرده‌اند؛ زیرا اسم فاعل گاه به معنی آمادگی برای چیزی می‌آید. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۶: ۲۶) با توجه به آنچه گفته شد و نیز با در نظر گرفتن سیاق آیه، می‌توان مدعی شد که «معصرات» در این آیه کنایه از «سحاب» (ابرها) باشد. همان‌طور که در دو ترجمه ذکر شده، از آن به ابرهای باران‌زا یا ابرهای بارنده تعبیر شده است. در واقع دو مترجم با آگاهی از معنای مجازی «معصرات» (سحاب: ابرها) به نحوی شایسته، ترجمه‌ای غیرمستقیم با بهره‌گیری از تکنیک تغییر بیان (از نوع تصریح‌سازی کنایه) ارائه داده‌اند. این آیه و آیات مشابه، تأییدی است بر دیدگاه وینه و داربلنه مبنی بر اینکه واحد ترجمه، تکواژ یا کلمه نیست و به جای آن مفهوم واحد واژگانی یا واحد اندیشه باید مد نظر قرار گیرد (زارع برمی و فاضلی، ۱۴۰۰: ۵۴)؛ چراکه بدون توجه به عبارت یا کل جمله (آیه) ارائه ترجمه صحیح و نیز کاربست روشی مناسب برای ترجمه میسر نمی‌شود.

۳-۴-۵. مثال سوم:

(حَتَّىٰ آتَانَا الْيَقِينَ) (مدثر / ۴۷)

صالحی: تا آنکه مرگ به سراغ ما آمد.

کوشا: تا آنکه مرگ به سراغمان آمد.

درباره «یقین» در این آیه گفته‌اند: منظور از آن در اینجا مرگ است و از این جهت یقین بر مرگ اطلاق شده که شکی در آمدنش نیست. بعضی از مفسران گفته‌اند: مراد از یقین، آن یقینی است که به دنبال مشاهده نشانه‌های آخرت و نزدیک شدن به حیات برزخی برای آدمی حاصل می‌شود؛ آری نزدیکی‌های مرگ و بعد از مرگ، انسان به حقانیت روز جزا یقین پیدا می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۱۵۳) بنابراین در این آیه «یقین» کنایه از «مرگ» است. مهم‌ترین شاخصه ترجمه موفق این است که تأثیر متن مبدأ را به متن مقصد منتقل نماید چه با بهره‌گیری از روش مستقیم و چه با روش

غیرمستقیم. به نظر می‌رسد طبق الگوی وینه و داربلنه، در این آیه برای رسیدن به این شاخصه مهم بهترین روش، بهره‌گیری از تکنیک غیرمستقیم تغییر بیان از نوع تصریح‌سازی کنایه است. همان‌طور که صالحی و کوشا این روش را برگزیده‌اند و مفهوم اراده‌شده از واژه «یقین» در این آیه را که همان «مرگ» است، در ترجمه‌های خود آورده‌اند.

۵-۵. تصریح‌سازی استعاره:

(وَ فِي عَادٍ إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الرِّيحَ الْعَقِيمَ) (ذاریات / ۴۱)

صالحی: و در [قوم] عاد [نیز نشانه‌ای بر جای گذاشتیم] آنگاه که آن باد مهلک را بر آنان فرستادیم.

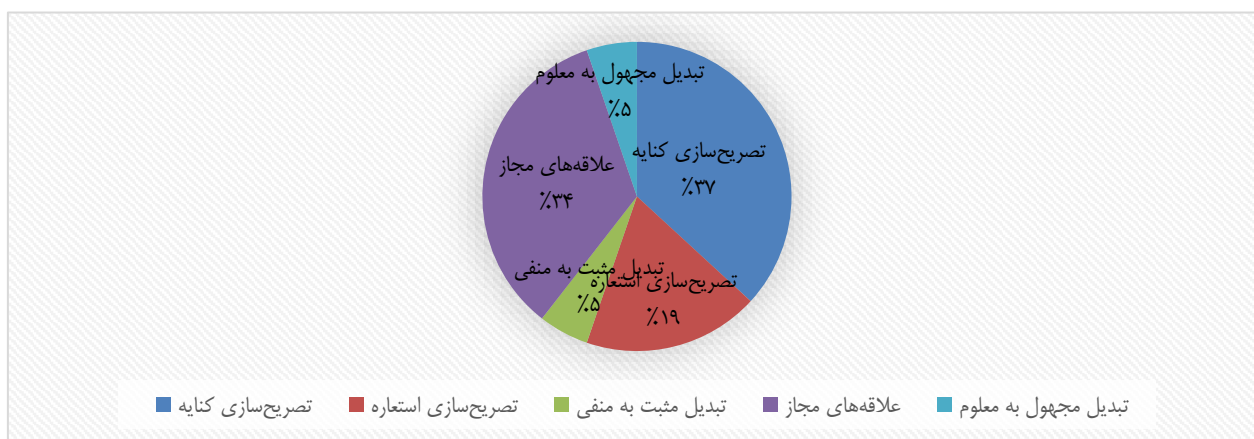
کوشا: و در [داستان قوم] عاد [نیز عبرت‌هاست] آن‌گاه که آن باد نابارور و مهلک را بر آنان فرستادیم.

در معنی «عقیم» گفته‌اند که: آن بادی است که سبب باریدن باران و صورت گرفتن لقاح گیاهی نشود و شاید عقیم به آن معنی باشد که پس از وزیدن آن هیچ چیز بر جای نمی‌ماند و در این صورت آیه بعدی: (مَا تَدْرُ مِنْ شَيْءٍ أَتَتْ عَلَيْهِ إِلَّا جَعَلَتْهُ كَالرِّمِيمِ) تفسیری برای آن است و چنان می‌نماید که آن وزش باد، حامل آتش و زهری نیز بوده است و به همین سبب پس از آن، هیچ چیز را به حال خود باقی نگذاشت؛ بلکه زمین و هر چه را که بر روی آن قرار داشت، هلاک و خرد و پوسیده کرد. (مدرسی، ۱۳۷۷، ج ۱۴: ۵۴) در علم بلاغت، یکی از انواع استعاره به اعتبار ذکر مشبه و مشبه‌به، استعاره مکنیه یا بالکنایه است که در آن لفظ مشبه در کلام ذکر می‌شود و مشبه‌به حذف می‌شود و به‌وسیله یکی از لوازم آن (مشبه‌به) بدان اشاره می‌شود. (هاشمی، ۱۹۹۹: ۲۶۰) در این آیه «باد» با خاصیت بازدارندگی از باران به زنی نازا تشبیه شده است. پرواضح است که نسبت دادن «عقیم بودن و ناباروری» به باد، استعاره از نوع کنایه است (استعاره مکنیه)، اما صالحی و کوشا با تغییر بیان، استعاره ذکر شده در عبارت عربی را از طریق تصریح‌سازی به زبان فارسی منتقل نموده‌اند. در واقع بهره‌گیری از چنین روشی منتج به این خواهد شد که مضمون یا مفهوم متن مبدأ در راستای رعایت حال مخاطب با صراحت و شفافیت بیشتری در متن مقصد بازآفرینی شود؛ بازآفرینی‌ای که حاصل تلاش آگاهانه مترجم و تسلط ایشان به عناصر زیباشناختی است. شایان ذکر است که کوشا معنی لغوی عقیم (نابارور) را نیز در ترجمه خود از نظر دور نداشته است.

۵-۶. جدول شواهد دیگر تغییر بیان

<p>(عَسَى رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَكُنَّ أَنْ يُبَدِّلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكَ مَسْلَمَاتٍ مُؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَأَبْكَارًا) (تحریم / ۵)</p> <p>صالحی: اگر [پیامبر] شما را طلاق دهد، امید است پروردگارش همسرانی بهتر از شما به او عوض دهد [آن هم] زنانی مسلمان، مؤمن، فرمان‌بردار، توبه‌کننده، عابد، روزه‌دار، [اعم] از بیوه و دوشیزه.</p> <p>کوشا: اگر [پیامبر] شما را طلاق دهد، امید است پروردگارش همسرانی بهتر از شما برای او جایگزین سازد، [آن هم] زنانی مسلمان، مؤمن، فرمان‌بردار، توبه‌کننده، عبادت‌کننده، رهسپار [طریق معرفت و عبادت] چه بیوه یا دوشیزه.</p> <p>• تغییر کل به جزء (سائحات به روزه‌دار) توسط صالحی.</p>
<p>(وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ) (حاقه / ۴۴)</p> <p>صالحی: و اگر [محمد] برخی از گفته‌های ساختگی را به ما نسبت داده بود.</p> <p>کوشا: و اگر [محمد] برخی گفته‌ها را به ما نسبت داده بود.</p> <p>• تغییر کل به جزء توسط صالحی، با این توضیح که معنی دروغ و نسبت دروغ دادن برای فعل «تقوّل» است نه خود «اقاویل».</p> <p>اقاویل جمع قول است.</p>
<p>(وَفُرُشٍ مَرْفُوعَةٍ) (واقعه / ۳۴)</p> <p>صالحی: و همبسترانی والامقام.</p> <p>کوشا: و همسرانی والامقام.</p> <p>• تصریح‌سازی کنایه در هر دو ترجمه.</p>
<p>(الَّذِينَ هُمْ فِي خَوْضٍ يَلْعَبُونَ) (طور / ۱۲)</p> <p>صالحی: همانان که در باطلی [عمیق] فرو رفته [و] به جدل‌بازی می‌پردازند.</p> <p>کوشا: آنان که در یابوه‌سرایبی به بازی سرگرمند.</p> <p>• تصریح‌سازی استعاره در هر دو ترجمه.</p>
<p>(فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ) (قارعه / ۶)</p> <p>صالحی: پس هر که کفه‌های اعمالش سنگین باشد.</p> <p>کوشا: آنگاه هر که کفه اعمالش سنگین باشد.</p> <p>• تبدیل کل به جزء در هر دو ترجمه. (کفه بخشی از میزان است)</p>
<p>(وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ) (فلق / ۴)</p> <p>صالحی: و از شر زنان [افسونگر] دمنده در گره‌ها.</p> <p>کوشا: و از گزند دمندگان در گره‌ها.</p> <p>• تبدیل جزء به کل در ترجمه کوشا.</p>
<p>(وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ) (فجر / ۱۰)</p> <p>صالحی: و با فرعون قدرتمند.</p> <p>کوشا: و با فرعون قدرتمند. [یا صاحب میخ‌های شکنجه، یا فرعون صاحب اهرام مصر]</p> <p>• تصریح‌سازی کنایه در هر دو ترجمه.</p>
<p>(يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا) (نازعات / ۴۲)</p> <p>صالحی: از تو درباره قیامت می‌پرسند که فرا رسیدنش کی خواهد بود؟</p> <p>کوشا: از تو درباره قیامت می‌پرسند که لنگرگاهش کی خواهد بود؟</p> <p>• «قیامت» در هر دو ترجمه تصریح‌سازی کنایه است. همچنین ترجمه «مُرسی» توسط صالحی تصریح‌سازی استعاره است.</p>
<p>(فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ) (علق / ۱۷)</p> <p>صالحی: آنگاه که او اهل محفل خویش را [به یاری] بخواند.</p> <p>کوشا: آنگاه او [یاران] انجمنش را بخواند.</p> <p>• تغییر محل به حال در هر دو ترجمه.</p>

<p>(و هَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ) (بلد / ۱۰)</p> <p>صالحی: و دو راه [خیر و شر] را به او نمایانندیم. کوشا: و دو راه نمایان [خیر و شر] را به او نمایانندیم. • تصریح‌سازی استعاره در هر دو ترجمه با لحاظ نمودن واژه‌های داخل کروشه.</p>
<p>(و لَا يَتَمَوَّنُهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ ...) (جمعه / ۷)</p> <p>صالحی: ولی به سبب آنچه [از کارهای ناروا] که به دست خود پیش فرستاده‌اند، هرگز آرزوی مرگ نخواهند کرد. کوشا: و به سبب کار و کردار پیشینشان هرگز آن را آرزو نخواهند کرد. • تصریح‌سازی کنایه توسط کوشا.</p>
<p>(... حَتَّى تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا...) (محمد / ۴)</p> <p>صالحی: [این دستور] برای این است که جنگ [پایان یابد و] بارهایش را بگذارد. کوشا: تا آنکه جنگ، بار سنگین خود را فرو نهد. • تصریح‌سازی کنایه توسط صالحی.</p>
<p>(... وَ لَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا ...) (حشر / ۹)</p> <p>صالحی: و از آن چه به مهاجران داده شده است، در دل خود نیازی احساس نمی‌کنند. کوشا: و در دل‌های خویش [احساس] نیازی به آنچه به آنها (مهاجران) داده شده، نمی‌یابند. • تغییر محل به حال در هر دو ترجمه.</p>
<p>(يُعْرِفُ الْمَجْرُمُونَ بِسِيْمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ) (رحمان / ۴۱)</p> <p>صالحی: گنه‌کاران به علامتشان شناخته می‌شوند؛ پس موهای جلوی سر و پاهایشان را می‌گیرند [و آنان را به دوزخ می‌افکنند] کوشا: بزهکاران به نشانه‌هایشان شناخته شوند و موهای جلوی پیشانی و پاهایشان گرفته شود [و به دوزخ انداخته شوند]. • تبدیل وجه مجهول به وجه معلوم توسط صالحی.</p>



نمودار ۱. بسامد انواع تغییر بیان در دو ترجمه

در راستای انتقال دقیق مفاهیم آیه‌ها، از این تکنیک در بیشتر موارد به‌طور مشترک بهره برده‌اند. مشترک بدین دلیل که هر دو مترجم برای ارائه ترجمه‌ای مطلوب، وجه بلاغی موجود در یک آیه و به تبع آن انتخاب بهترین نوع تغییر بیان برای ترجمه آن را مد نظر قرار داده‌اند.

- همه مصادیقی که وینه و داربلنه از تغییر بیان ارائه داده‌اند، در ترجمه‌های دو مترجم یافت نشد. ذکر مکان به جای زمان، جابه‌جایی واژگان و تغییر نماد مصادیقی بودند که حداقل در ترجمه‌های صالحی و کوشا از پنج جزء پایانی قرآن کریم

۶. نتیجه‌گیری

از مجموع آنچه بیان شد، نتایج زیر حاصل گردید:
- با توجه به اینکه قرآن کریم کتابی در نهایت فصاحت و بلاغت است، تغییر بیان به‌عنوان تکنیکی مرتبط با مفاهیم بلاغی، عنصری کارآمد در ترجمه این کتاب مقدس به شمار می‌رود. مترجمان قرآن برای انعکاس این مفاهیم بلاغی، چاره‌ای جز بهره‌گیری از این تکنیک غیرمستقیم در ترجمه خود ندارند. صالحی و کوشا نیز در ترجمه آیه‌هایی که بررسی شد،

کاربرد نداشتند. از مجموع ۹ آیه تحلیل شده در مقاله و ۱۴ آیه‌ای که در جدول بدان‌ها اشاره شد، ۱۴ مورد تصریح‌سازی کنایه، ۱۳ مورد علاقه‌های مجاز مرسل، ۷ مورد تصریح‌سازی استعاره، ۲ مورد تبدیل وجه مجهول به معلوم و ۱ مورد تبدیل وجه مثبت به منفی توسط صالحی و کوشا به کار گرفته شده‌اند. به‌طور کلی در هر دو ترجمه، تصریح‌سازی کنایه و تبدیل وجه مثبت به منفی به ترتیب بیشترین و کمترین بسامد را به خود اختصاص داده‌اند.

- در نمونه‌های بررسی شده، تکنیک غیرمستقیم تغییر بیان توسط هر دو مترجم به‌نحوی مطلوب و اثرگذار در زبان مقصد مورد استفاده قرار گرفته است. البته در مواردی محدود، بهره‌گیری از این نوع تکنیک ترجمه، دال بر مفهوم بودن آن نزد مخاطب نبود؛ همچون ترجمه «انحر» توسط صالحی در آیه ۲ سوره کوثر، درحالی که کوشا در این مورد، به‌نحوی پسندیده از این شیوه ترجمه (تغییر بیان) عدول کرده و شیوه دیگری از ترجمه غیرمستقیم (جابه‌جایی) را ترجیح داده است. نکته دیگر اینکه، در مواردی نیز بهره‌گیری از شیوه مستقیم و غیرمستقیم - به‌طور مشخص، تغییر بیان - از لحاظ ارائه ترجمه‌ای مقبول و مطلوب در یک سطح قرار داشتند. مانند ترجمه مستقیم کوشا از «إنما» در آیه ۱۰ سوره حجرات و در عین حال، ترجمه غیرمستقیم (تغییر بیان) صالحی از آن.

- دو مترجم در بهره‌گیری از تصریح‌سازی کنایه - جز ترجمه صالحی از آیه ۷ سوره جمعه و ترجمه کوشا از آیه ۴ سوره محمد - و تصریح‌سازی استعاره بیشترین اشتراک را با هم دارند. با توجه به اینکه در کنایه، اراده معنی اصلی نیز صحیح می‌نماید، در دو آیه اشاره شده از تصریح‌سازی آن صرف‌نظر کرده‌اند. اما در استعاره با در نظر گرفتن این نکته که قرینه‌ای مانع از اراده معنی اصلی وجود دارد، دو مترجم ناگزیر بودند آن را در ترجمه خود تصریح‌سازی کنند.

- در علاقه‌های مجاز مرسل نیز - جز در ترجمه آیه ۲ سوره کوثر توسط کوشا - دو مترجم همسو با هم از تکنیک تغییر بیان بهره برده‌اند. این علاقه‌ها شامل تغییر کل به جزء و برعکس، تغییر محل به حال و تغییر عام به خاص بودند. در ترجمه وجه مجهول به معلوم، به نظر می‌رسد بهتر بود صالحی نیز همانند کوشا روش ترجمه مستقیم را اتخاذ می‌نمود؛ چراکه در دو شاهدمثال بررسی شده، وجه مجهول فعل با هدفی بلاغی (ترساندن دوزخیان) به کار رفته است. البته این گزاره صرفاً در مقام مقایسه بین دو ترجمه است و وگرنه ترجمه صالحی ناصحیح نیست. در نهایت اینکه، در یک شاهدمثال مربوط به

تبدیل وجه مثبت به منفی نیز دو مترجم دو شیوه متفاوت و در عین حال وافی مقصود را برگزیده‌اند.

منابع

قرآن کریم

آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*. تحقیق علی عبدالباری عطیه، چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیه.

ابن الجوزی، ابوالفرج عبدالرحمان بن علی (۱۴۲۲ق). *زاد المسیر فی علم التفسیر*. چاپ اول، بیروت: دار الکتب العربی.

اسلامی، همایون و فارسیان، محمدرضا (۱۳۹۷)، «بررسی کارآمدی فنون هفت‌گانه سبک‌شناسی تطبیقی در چارچوب ترجمه ادبی (مطالعه موردی: خانواده تیبو)». *مجله نقد زبان و ادبیات خارجی*، ۲۰، ۴۹ - ۳۳.

البابرتی، اکمل‌الدین محمد (۱۹۸۳). *شرح التلخیص*. تحقیق محمد مصطفی رمضان صوفیه. الطبعة الأولى، طرابلس: المنشأة العامة للنشر و التوزیع و الإعلان.

بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۲۰ق). *معالم التنزیل فی تفسیر القرآن*، تحقیق عبدالرزاق المهدی. چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

بیوض منور، إنعام (۱۹۹۲). *أسالیب التقدیه للترجمة دراسة نقدية مقارنة لأسالیب الترجمة من منظور فینی و دارلینی (۱۹۵۸) و تطبیقاتها علی ترجمات کتاب «النبی» لجبران خلیل جبران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. به راهنمایی حمدان حجاجی. الجزائر: دانشگاه الجزائر، دانشکده ترجمه.

پاشازاده، رضا؛ زودرنج، صدیقه و سعیداوی، علی (۱۴۰۱). «کاربست الگوی وینه و داربلنه در ترجمه قرآن کریم (بررسی موردی ترجمه‌های نعمت‌الله صالحی‌نجف‌آبادی، محمدعلی کوشا و کریم زمانی)». *مطالعات ترجمه قرآن و حدیث*، ۱۹، ۲۳۵ - ۱۹۷.

Doi: 20.1001.1.24233757.1401.9.18.7.2

حیدری، حمیدرضا (۱۳۹۸). «تغییر بیان و فاخرگویی در ترجمه از فارسی به عربی بر اساس نظریه وینه و داربلنه». *پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، ۲۰، ۲۱۶ - ۱۹۷.

Doi: <https://doi.org/10.22054/rctall.2019.42159.1>

391

خزاعی‌فر، علی (۱۳۹۹). «تکنیک‌های هفت‌گانه ترجمه (۲)». *فصلنامه مترجم*، ۴، ۴۲ - ۳۷.

خزاعی‌فر، علی (۱۳۷۷). «تغییر بیان در ترجمه». *فصلنامه مترجم*، ۲۷، ۳ - ۱۱.

رضوان طلب، زینب و کرد یزدی، سیمین (۱۴۰۲). «بررسی ترجمه الهام دارچینیان از رمان «من او را دوست داشتم» نوشته آنا گاولدا براساس نظریه وینه و دارلننه». پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، ۱۳(۱)، ۱۴۵-۱۵۶.

Doi: 10.22059/JFLR.2022.344942.964

زارع برمی، مرتضی و فاضلی، سیده لیلیا (۱۴۰۰). «ترجمه اصطلاحات از نظریه تا تطبیق: مطالعه موردی ضرب‌المثل‌های عربی خوزستان». مجله الجمعية الایزانیة للغة العربیة و آدابها، ۶۰، ۶۶-۵۳.

Doi: 20.1001.1.23456361.2021.17.60.3.6

زمانی، کریم (۱۳۹۷). ترجمه روشنگر قرآن کریم. چاپ پنجم، تهران: علمی.

صالحی نجف‌آبادی، نعمت‌الله (۱۳۹۸). ترجمه قرآن کریم. چاپ دوم، تهران: کویر.

طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴ش). تفسیر المیزان. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.

غفاری، سولماز (۱۴۰۱). بررسی مقابله‌ای ترجمه ابن‌عربشاه از مرزبان‌نامه بر اساس الگوی وینه و دارلننه. رساله دکتری. به راهنمایی سید مهدی مسبوق. همدان: دانشگاه بوعلی سینا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

فاست، پیتر (۱۳۹۷). ترجمه و زبان؛ تبیینی بر پایه نظریه‌های زبان‌شناسی. ترجمه راحله گندمکار، تهران: علمی.

فرزاد، فرزانه (۱۳۹۰). «نقد ترجمه: ارائه مدلی سه‌وجهی». مجله پژوهش‌نامه، ۹، ۴۸-۲۹.

کوشا، محمدعلی (۱۴۰۱). ترجمه قرآن کریم. چاپ اول، تهران: نشر نی.

کوشا، محمدعلی (۱۳۹۴). «ترجمه‌ای دقیق از قرآن کریم». فصلنامه نقد کتاب، ۲، ۲۸-۵.

ماندی، جرمی (۱۳۹۱ش). معرفی مطالعات ترجمه؛ نظریه‌ها و کاربردها. ترجمه علی بهرامی و زینب تاجیک، تهران: راهنما.

مدرسی، سید محمدتقی (۱۳۷۷). تفسیر هدایت. چاپ اول، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الإسلامیه.

هاشمی، احمد (۱۹۹۹). جواهر البلاغه فی المعانی و البیان و البدیع. ضبط و تدقیق و توثیق یوسف الصمیلی، الطبعة الأولى، بیروت: المكتبة المصریة.

ولی‌پور، علیرضا و قریشی، شکوه (۱۳۹۴). مقایسه و تطبیق ساختارهای گرامری در ترجمه‌های روسی قرآن بر مبنای آیه‌هایی از سوره‌های قرآن کریم. پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، ۵(۱)، ۱۷-۵.

Doi: 10.22059/JFLR.2015.62508

- Jean- Paul Vinay, Jean Darbelnet (1995) Comparative Stylistics of French and English A methodology for translation. John Benjamins Publishing Company. Amsterdam / Philadelphia.

- <http://kooshaa.ir/>